

مقالات و بررسیها، دفتر ۷۱، تابستان ۸۱، ص ۱۳۱-۱۴۶

نگاهی به مناظرات توحیدی در احادیث نبوی (ص)

محمود واعظی

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

چکیده:

آزادی بحث و انتقاد یا مناظره در مسائل دینی از ویژگیهای فرهنگ اصیل اسلامی است. پیامبر اکرم (ص) در امر دعوت مشرکان و سایر ادیان به آیین اسلام، از روش مناظره برای تضارب آراء و پویایی اندیشه ها و انگیزش عقول مخاطبان بهره می گرفته اند که بخشی از آن در کتابهای حدیثی به ما رسیده است. در این مقاله مجموعه مناظرات توحیدی رسول اکرم (ص) از جهات مختلف مورد بررسی قرار گرفته و ضمن ارزیابی مخاطبان، بیشتر موضوعات طرح شده در جلسات مناظره با آنان نیز به تفکیک، استخراج گردیده است.

کلید واژه‌ها: مناظره، احتجاج، توحید، شرک.

مقدمه

اسلام در میان سایر ادیان و مکاتب، به اصل رویارویی‌های دینی توجه ویژه‌ای مبذول داشته و روش مناظره را در امر دعوت و تبلیغ با شرایط و ضوابط خاصی پذیرفته است. مناظره واجد شرایط نه تنها مورد تأیید قرار گرفته، بلکه ضرورت به کارگیری آن در بسیاری از آیات کریم قرآنی مطرح شده و نقش ارزنده آن در بیداری و تبیین حق از باطل در عصرها و شرایط گوناگون زندگی انبیای الهی مورد نقد، بررسی و تحلیل قرار گرفته است؛ چندان که می توان ادعا کرد که همه رسولان الهی، به نوعی از مناظره و احتجاج در امر دعوت الهی بهره می گرفته اند (مؤمنون/۲۳، هود/۲۷،

اعراف/۷۳، یس/۷۸، انعام/۸۰؛ نیز نک: جوادی آملی، جم). قرآن کریم به صراحت رسول گرامی اسلام را برای به کارگیری آن دستور فرموده است که: *أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ* (نحل / ۱۲۵). بدون شک این سه واژه حکمت، موعظه و جدال به احسن، مربوط به طرز سخن گفتن است و رسول اکرم (ص) مأمور شده تا دعوت خدا را به اقتضای مخاطب از طریق برهان، خطابه و جدل شایسته بکار بندد (نک: طباطبایی، ۳۷۱/۱۲).

قرآن کریم شیوه الگویی مناظره را به درون جامعه اسلامی منحصر نکرده بلکه آن را برای رویارویی به غیر مسلمانان نیز تعمیم داده است: *وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ* (عنکبوت/۴۶) که جز به شیوه‌ای نیکو و ضابطه‌مند به گفتگو اقدام نکنید چراکه مواجهه نامطلوب و غیر منطقی حاصلی جز افزودن بدبینی و تعصب ندارد، چنانکه قرآن کریم فرمود: *وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ* (آل عمران/۱۵۹).

مناظره ابراهیم با نمرود و بت پرستان روزگارش (بقره/۲۵۸، انبیاء/۶۲-۶۷) و نوح با قومش که او را به کثرت بحث و استدلال متهم کردند (هود/۳۲) و بسیاری از آیات دیگر، همه روشنگر این نکته است که اسلام نه تنها مشروعیت و حجیت آن را پذیرفته بلکه بر فرهنگ سازی آن به عنوان روش برتر در مجادلات و منازعات فکری - عقیدتی تأکید ورزیده است. قرآن برخلاف روشهای معمول و جاری بین علما که پیوسته مطالب خود را حق و مطالب طرف مقابل را نادرست می‌پندارند با صراحت اعلام می‌کند که در جهت پرهیز از هرگونه شتابزدگی در دیدگاهها بایسته است تا از هر نوع پیشداوری و ذهنیت پروری نسبت به طرف مقابل پرهیز شود: *وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ* (سبا/۲۴).

سیره رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز مبین و مؤید این روش قرآنی است و گفتگوها و مناظرات آنان در کتابهای روایی فراوانی بما رسیده است. بیشتر این نوع مطالب در کتابهای حدیثی با عنوان "احتجاجات" ذکر شده است مثلاً «باب احتجاجات الرسول»، «باب احتجاجات امیرالمؤمنین» این عنوان شامل هر نوع رویارویی بحث انگیز

می شود، اعم از رویارویی هایی که از طرف افراد حق جو و پژوهشگر در جهت کشف حقیقت یا در فضای آکنده از خصومت و لجاج توسط فرد یا گروه معاند در برابر امامان (ع) تحقق می یافته است؛ و اعم از این که در زمان رسول اکرم (ص) ضمن حادثه نزول وحی بوده یا غیر آن. از این رو، احتجاجات رسول اکرم (ص) هم در آیات قرآنی ذکر شده و هم در احادیث فراوانی روایت شده است.

نکته دیگر آنکه این روایات در منابع متعددی ذکر شده که از نظر اعتبار و حجیت در سطح یکسانی قرار ندارند. حدیث پژوهان در این زمینه تحقیقات زیادی به عمل آورده اند. این مسأله گرچه از جایگاه مهم و با ارزشی برخوردار است؛ اما اولاً خود بحث مستقلی است که از موضوع این مقاله بیرون است. ثانیاً ثمره بررسی حجیت روایات، بیشتر در حوزه مسائل فقهی است، در حالی که حوزه موضوعی مناظرات رسول اکرم (ص) مباحث عقیدتی است که تعبد و انقیاد در آن راه ندارد، بر این اساس مبنای گزینش و اعتماد ما در تحلیل روایات، مواردی است که از معیارهای تأیید و موافقت با عقل، عدم تعارض مطالب و مفاهیم آن با قرآن و سنت قطعی رسول اکرم (ص) و معصومان (ع) برخوردار بوده و از انگیزه های مؤثر در جعل و وضع به دور باشد. موضوع این مقاله محدود به مناظراتی است که بر محور مسأله مهم و اساسی توحید و شرک مطرح شده است.

اصل توحید در مناظرات نبوی (ص)

شناخت اهمیت و جایگاه اصل توحید در رویارویی های رسول گرامی اسلام (ص) و شرک ستیزی معارف الهی که در قالب آیات و روایات از رسول اکرم (ص) ارائه شده در گرو دو امر است:

(۱) درک و شناسایی نقش محوری اصل بنیادین توحید در مجموعه تعالیم اسلامی؛

(۲) شناخت فرهنگ دینی غالب بر جامعه زمان بعثت.

فضای سراسر شرک آلود شبه جزیره عربستان در قالبهای متعصب عصر جاهلیت از یک سو و ماهیت شرک ستیز و توحیدی آیین جاودان اسلام از سوی دیگر، زمینه و بستر موضوعات دعوت اسلامی و رویارویی های رسول گرامی اسلام را پی ریزی کرد. بر

همین اساس اکثر موضوعات مطرح شده در مناظرات پیامبر(ص) با دهریان، مشرکان، نصاری و یهودیان را مباحث خداشناسی، یکتاپرستی، نفی فرزند داشتن خدا، و نفی اتحاد خداوند یا خالق یا مخلوق تشکیل داده است.

حجم مناظرات توحیدی نبوی(ص)

گرچه احادیث فراوانی توسط اهل سنت و شیعه از پیامبر اکرم(ص) نقل شده و منابع و متون تاریخی از اخبار، غزوات، سیره و آداب مختلف آن حضرت، سرشار است، اما از این همه، احتجاجات توحیدی سهم زیادی ندارند. محمدباقر مجلسی با بهره‌گیری از بیش از ۸۳ مأخذ روایی، تنها مجلدات نهم و دهم کتاب بحارالانوار را به عنوان احتجاجات اختصاص داده که از این میان، تنها در پایان جلد نهم، مناظرات نبوی(ص) را نقل کرده است (مجلسی، ۹). این روایات که بیشتر از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع)، احتجاج طبرسی، خراج، علل الشرایع، امالی شیخ صدوق و اختصاص شیخ مفید، گردآوری شده مجموعاً حدود صد صفحه قطع عادی را به خود اختصاص داده است.

با توجه به فضای فکری حاکم بر شبه جزیره و اصالت مسائل زیربنایی و اعتقادی اسلام، بیشتر روایات این مجموعه درباره موضوع توحید و شرک رقم خورده است. از این گذشته، روایات ارزشمند دیگری هم به طور پراکنده در برخی دیگر از جلدهای بحارالانوار از جمله در جلد چهارم کتاب توحید آمده که صورت احتجاج و مناظره دارد، ولی با عنوان «احتجاجات» نیامده است (مجلسی، ۴/۱۰۶-۱۰۷).

انواع مناظرات توحیدی رسول اکرم(ص)

با بررسی و تحلیل متون و نصوص روایات نقل شده در باب احتجاجات الرسول، می‌توان مناظرات پیامبر(ص) را از جهات گوناگون دسته بندی کرد. در نگاه کلی به مجموعه مناظرات ایشان، شش بخش از این مجموعه بیشتر جلب توجه می‌کند که جداگانه و با شرحی کوتاه مطرح می‌شود:

۱- از نظر تعداد مناظره گران

مناظرات فردی: شامل مناظراتی است که طرف مناظره تنها یک فرد بوده است؛ مثل مناظره عبدالله بن سلام که طبق نقل شیخ مفید (الاختصاص، ۴۲)، صبح یک روز دوشنبه پس از نماز فجر، خدمت حضرت رسید و گفت: السلام علیک یا محمد. حضرت فرمود: «و علی من اتبع الهدی و رحمة الله و برکاته». آنگاه خود را معرفی کرد. حضرت پس از چند سؤال مقدماتی به او اجازه ورود به بحث دادند. آنگاه مناظره‌ای مفصل در گرفت که گزارش آن طی حدود هشت صفحه در اختصاص شیخ مفید آمده است و از مناظرات بسیار جالب و خواندنی به شمار می‌رود.

مناظرات گروهی: که طرف مناظره متعدد بوده است. مناظرات گروهی خود بر دو نوع بوده است:

گروهی که از یک فرقه دینی بودند؛ مانند مناظره گروهی از یهودیان که پس از اعتراض نسبت به آیه ۷ از سوره جمعه و ۹۶ از سوره بقره و پاسخ قاطع و جامع حضرت، اظهار داشتند: «اگر شما و برادران علی مستجاب الدعوه‌اید، دعا کنید فرزند رییس ما که به بیماری جذام و پسی گرفتار آمده و همه از نزدیک شدن به او تنفر دارند، شفا پیدا کند».

مناظره این گروه یهودی با پیامبر (ص)، که توسط امام حسن مجتبی (ع) نقل شده، بسیار عبرت‌آموز، عمیق و پرمحتواست (نک: تفسیرالامام، ۴۴۳).

گروهی که از فرقه‌های دینی برای مناظره حضور می‌یافتند مانند: مناظره بسیار هیجانی و ارزنده‌ای که با حضور ۲۵ نفر از ۵ طایفه یهود، نصاری، مشرکان، ثنویان و دهریان در خدمت رسول اکرم (ص) انجام شد و حضرت طی بحث و مناظره طولانی تمامی آنها را مجاب ساختند و در بحث با هر کدام از آنان با طرح اشکالات و استدلالات بدیع و روشن و قانع‌کننده، آنان را محکوم و به اعتراف به نادانی خود ناگزیر کردند، و طبق نص روایت در پایان، هر کدام به نحوی اظهار کردند: «سننظر فی امورنا» یعنی: در آرا و نظراتمان تأمل خواهیم کرد. یا می‌گفتند: «ما رأینا کالیوم مجادلاً و لا مخاصماً». تاکنون چنین مناظره‌گر و جدال‌کننده‌ای ندیده بودیم (طبرسی، ۲۱/۱). این مناظره در تفسیر الامام (ع) طی سیزده صفحه به تفصیل آمده است (ص ۵۳۰-۵۴۳).

۲- از نظر استدلال

مناظراتی که با مخالفان و مستکبران انجام می‌شد و از آغاز تا پایان با استدلال‌ها و مباحثات متنوع و متفاوت دو طرف همراه بود؛ مانند مناظره گروهی از مشرکان که به سرکردگی عبدالله بن ابی امیه مخزومی به قصد محکومیت و سرکوبی امر رسالت حضرت رسول اکرم (ص) آغاز شد و مشرکان با گستاخی تمام برای مخاصمه و مجادله با ایشان حاضر شدند. این مناظره طی یازده صفحه در بحارالانوار به نقل از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) از امام دهم روایت شده است (ص ۵۰۱). به بخشی از این مناظره در آیات ۹۰-۹۳ سوره مبارک اسراء اشاره شده است.

مناظراتی که با دگران‌دیشان حق‌جو انجام شده است. در این مناظرات طرف مقابل، غالباً افرادی حقیقت‌جو بودند که کوشش می‌کردند شخصیت و چهره‌ای را بیابند که بشارت ظهورش را در کتب عهدین خوانده بودند. آنها با طرح سؤالاتی مشخص از جانب علما و براساس نصوصی که در اختیار داشتند، در جست‌وجوی فردی عالم به اسرار و خفیات عالم هستی و عبد صالح و پیامبر موعود بودند و با ارائه مجموعه‌ای از آن سؤالات، صرفاً در مقام اخذ پاسخ و تطبیق نشانه‌های نبوت با گفتار و رفتار ایشان برمی‌آمدند. در این نوع، مناظره‌گران اغلب مقهور و مجذوب کرامات، سجایا و فضایل ارزشمند و علوم و حیانی حضرت می‌شدند و خبری از مخاصمات و مجادلات طرفینی در میان نبود، بلکه پس از طرح چند سؤال، با علاقه و اشتیاق فراوان چونان شاگرد، از محضر حضرت (ص) بهره می‌بردند. این شیفتگیها در نهایت به تسلیم قلبی آنان منجر می‌شد (نک: شیخ مفید، الاختصاص، ۴۲-۵۰).

۳- از نظر ارائه معجزه

این نوع مناظرات خود بر دو بخش است:

بخش اول مناظراتی است که سیر طبیعی بحث و استدلال به جایی می‌رسد که لازم بود پیامبر (ص) برای اتمام حجت و اقناع خصم، معجزه‌ای ارائه کنند. در برخی موارد اساساً طرف مقابل از ابتدای بحث، با هدف دیدن جلوه‌ای از اعجاز یا به منظور تطبیق شنیده‌ها و مطالعاتش از کتابهای پیشین، در جلسه مناظره، حضور می‌یافت. نمونه‌های

بسیاری از این نوع، در کتب روایی نقل شده است؛ از جمله: معجزه شفای فرزند رییس قوم یهود که پس از مناظره در جهت اثبات حقایق پیامبر (ص) و علی (ع) و مؤمنان انجام شد (همان، ۴۴۳). اعجاز دیگری که در پایان مناظره‌ای بسیار پرشور روی داد، اعتراض یهود و درخواست آنها برای اثبات خبر قرآنی نسبت به قسی بودن یهود و به شهادت گرفتن کوه و صخره بر این مدعا بود (همان، ۱۱۳-۱۱۵).

این نوع مناظرات، بیشتر با قوم سرسخت و کینه توز یهود انجام می‌گرفت که با ذهنیتی معاندانه به سراغ پیامبر (ص) می‌آمدند. از جمله ماجرای ایمان آوردن عبدالله بن سلام عالم یهودی است که پس از اظهار ایمان گفت: من قوم را می‌شناسم، اگر از اسلام آوردن من مطلع شوند، قصد جانم خواهند نمود. از این رو قرار شد او در منزل حضرت (ص) مخفی شود و پس از ورود قوم یهود و اقرار گرفتن حضرت از آنها نسبت به وی، از پشت پرده بیرون بیاید و شهادتین را در حضور آنان، مجدداً بر زبان جاری کند. عجیب آنکه در همین مجلس برگزیدگان یهود ابتدا به عالم و عالم‌زاد بودن و پارسایی عبدالله بن سلام گواهی دادند، ولی پس از شنیدن خبر ایمان وی، او را به جهل و حماقت منسوب کردند (تفسیرالامام، ۴۶۰؛ مجلسی، ۳۲۷/۹).

نوع دیگر مناظراتی است که با بحث و استدلال یا بدون آن به پایان می‌رسید و به ارائه معجزه نمی‌انجامید. از جمله این مناظرات که بیشتر با غیر یهود انجام می‌شد، می‌توان از مناظره حضرت (ص) با ثنویان یاد کرد که گفتند صانع جهان، نور و ظلمت است و چنین علت آوردند که ما اشیاء را در جهان از دو صنف یافته‌ایم، خیر و شر و این دو را ضد هم دیده‌ایم و نتوانسته‌ایم قبول کنیم که فاعل یگانه، هم شی و هم ضدش را ایجاد کرده باشد و از این رو برای هر کدام فاعل، و خالق جداگانه قائل شده‌ایم. پیامبر (ص) در پاسخ فرمودند: «مگر رنگها با یکدیگر ضد نیستند. آیا هر کدام خدایی دارند؟ پس چرا به تعداد رنگها به خالق قدیم قائل نشده‌اید؟!» با شنیدن این مطالب مستدل، صریح و روشن، همه ساکت شدند. حضرت در ادامه مناظره، استدلال بسیار روشن‌تری را همراه با مثالهای متعدد بیان فرمودند که در عین جامعیت بسیار ساده و خواندنی است (نک: تفسیرالامام، ۵۳۷؛ طبرسی ۱/۲۳).

۴ - از نظر نتیجه

این گونه مناظرات هم دو بخش است: بخش اول مناظراتی است که در آنها طرف مناظره پس از استدلال و گفت و شنود ایمان می آورد و تسلیم سخنان و استدلالات پیامبر (ص) می شد. از آن جا که این استدلالات از نوع بدیهیات و یقینیات بود و بر وجدانیات و عقل سلیم استوار بود، دلهای آماده و حق جو در اولین گفتگوها تحت تأثیر واقع می شد و ایمان می آورد. عبدالله بن سلام، پس از اتمام جلسه مناظره و درک حقیقت گفت: «أشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و أشهد ان محمداً عبده و رسوله المصطفى»، همچنین در پایان اقرار کرد: «قد تمت الحجج و انزاحت العلل و انقطعت المعاذير فلا عذر لي ان تأخرت عنك و لاخیر فی أن تركت لتعصب لك» (تفسیر الامام، ۴۶۱).

نمونه بسیار جالب و خواندنی دیگر از امام حسن (ع) نقل شده که فرد یهودی پس از گرفتن پاسخ سؤالاتش از حضرت، نور حقیقت در دلش تابیدن گرفت و از عمق جان اظهار داشت: «صدقت يا محمد و أنا أشهد أن لا اله الا الله و أنك عبده و رسوله خاتم النبیین، امام المتقین» (صدوق، ۱۹۵).

بخش دوم: مناظراتی است که پس از پایان بحث و گفت و گو و حتی ارائه معجزه، باز هم فرد یا افراد مقابل، از ایمان سر بر می تافتند. این نوع مناظرات به خاطر طبیعت و اقتضای اعجاز و هدایت بخشی آن، بیشتر در حالت گروهی و جمعی برگزار می شده است؛ مانند مناظره ای که در آن گروهی از یهود که برای اعتراض به آیه شریفه ۱۰۵ سوره بقره: «ما یؤد الذین کفروا من اهل الکتاب و لا المشرکین ان ینزل علیکم من خیر من ربکم» (بقره / ۱۰۵). خدمت پیامبر (ص) رسیدند و گفتند: «باید اثبات کنی که ما نمی خواهیم خیری از جانب خداوند به مسلمانان برسد». پیامبر (ص) فرمود: «اعضایتان علیه شما شهادت خواهند داد» یهود گفتند: «تا قیامت فاصله زیادی است آنچه را گفتی اثبات کن، اما ما می دانیم که تو دروغگویی و هرگز قادر به انجام چنین کاری نیستی». رسول اکرم (ص) به علی (ع) فرمودند: «اعضایشان را به شهادت فرا خوان». علی (ع) چنین کرد و اعضای آنها شهادت دادند که آنها مایل نیستند که محمد (ص) از خداوند برای امتش خیر و رحمتی طلب کند و نمی خواهند اعجازی را از او برای اثبات نبوتش

بینند، زیرا ترس آن دارند که محکوم شوند و عوام آنها به ایشان ایمان آورند و علیه آنها بشورند. یهودیان حاضر پس از دیدن و شنیدن این شهادت، منکر آن شدند و گفتند ما از شهادتی که ادعا می‌کنی، چیزی نشنیدیم و اعضای ما علیه ما سخن نگفتند! رسول اکرم (ص) فرمود: اینها از افرادی هستند که خداوند درباره آنها فرمود: **إِنَّ الدِّينَ حَقٌّ عَلَيْهِمْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ وَ لَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ (یونس / ۹۶)**. آنگاه حضرت به علی (ع) فرمود: بر آنها نفرین کن. بعد از نفرین علی هر عضوی که علیه صاحبش شهادت داده بود، از بدن جدا شد و جان داد و بدین سان آشکار شد که آنان سنگدلانی از یهود هستند که با گفتار و کلام نافذ نبوی و آیات مبارک و حیانی و قدرت و اعجاز لایزال رحمانی هم، سر به حقیقت و هدایت فرود نمی‌آورند و بر کفر و انکار خویش همچنان باقیند.

گفتنی است مناظره به عنوان یکی از روشهای کشف حقیقت و روشنگری جایگاهی ویژه دارد، اما همچون سایر اسباب و علل، از تأثیر و توان نسبی برخوردار است و چنین نیست که پیوسته به مطلوب و نتیجه دست یابد. مناظره برهانی به عنوان یک فن و شیوه با این که در خدمت والاترین و کاملترین فرد عالم قرار دارد و همواره با بهره‌گیری از دیگر امتیازات ویژه الهی بیشترین نقش را در هدایتگری انسانها ایفا می‌کند، اما گاهی هم به نتیجه و هدایت نینجامیده است. این نکته بدین معنی نیست که در به کارگیری روشها و دعوت تبلیغی، اشکال و کاستی وجود داشته، بلکه به خاطر شدت عصیان فرد مقابل و عدم قابلیت لازم برای پذیرش حقیقت بوده است (مجلسی، ۹/۳۳۴-۳۳۵). با این حال، پیامبر (ص) از باب اتمام حجت، رسالت الهی را ابلاغ کرده است.

آنچه باید در اینجا مورد امعان نظر قرار گیرد این نکته است که مناظرات برهانی در کنار دیگر روشهای تبلیغی باید بجا و مناسب و با رعایت تمامی ظرایف و دقتهای لازم به مثابه یک تکلیف به کار گرفته شود؛ اما نباید انتظار داشت که پیوسته با موفقیت و نتیجه مطلوب همراه باشد.

۵- از نظر امدادهای الهی و نزول وحی

مناظرات نبوی (ص) از نظر امدادهای الهی بر دو گونه است:
نوع اول مناظراتی که رسول اکرم (ص) برای ارائه پاسخ به سؤالات مناظره‌گران،

توسط وحی و آیات الهی مورد تایید و حمایت قرار می‌گرفت. این تاییدها بر سه نوعند: امدادهایی که به وسیله نزول آیات صورت می‌گرفت. گاهی در پاسخ شبهات و اشکالات طرف مقابل، وحی الهی مستقیماً برای پاسخگویی نازل می‌شد. برای مثال: مطابق روایتی که از امام حسن (ع) نقل شده است: فرد یهودی پس از طرح سلسله سؤالاتی از رسول اکرم (ص) پرسید: آیا تو برای عرب مبعوث شده‌ای یا عجم؟ در این هنگام فرشته وحی فرود آمد و این آیه نازل شد: **قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً** (اعراف/۱۵۸).

امدادهایی که با القای پاسخ توسط فرشته وحی انجام می‌شد. بارها حضرت (ص) در مقابل خصم اقرار می‌فرمودند که این مطالب را جبرئیل به من القا می‌کند و آنها را از پیش خود نمی‌دانم. از جمله این موارد، روایت ثوبان است که پس از پاسخگویی حضرت به سؤالات فردی یهودی فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا كَانَ عِنْدِي شَيْءٌ مِّمَّا سَأَلْتَنِي عَنْهُ حَتَّىٰ أَنْبَأَنِيهِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي مَجْلِسِي هَذَا عَلَىٰ لِسَانِ أَخِي جَبْرَائِيلَ» (شیخ مفید، الاحتجاج، ۱/۵۰).

در مناظره دیگری آمده است که آن حضرت فرمود: «سَلْنِي مَا شِئْتَ وَجَبْرَائِيلَ عَنِ يَمِينِ النَّبِيِّ وَمِكَائِيلَ عَنِ يَسَارِهِ يَلْقِيَانِهِ» (صدوق، امالی، ۱۹۵).

گاه امدادهایی در مواجهه با منکران به صورت ارائه معجزه تحقق می‌یافت. به نمونه‌هایی از این قسم در مباحث گذشته اشاره شد.

گاهی نیز مناظراتی رخ می‌داد که از آغاز تا پایان، حضرت از اندیشه و بیان خود کمک می‌گرفتند و بدون ذکر هیچ‌گونه تأیید و حیانی و نزول آیات قرآنی به اتمام می‌رسید.

نمونه این گونه مناظرات، گفت و گوی بیست و پنج نفر از سران پنج مذهب بود که به تفصیل در روایتی توسط امام صادق (ع) نقل شده است. حضرت در این مناظره با ارائه استدلال ساده، بدیهی و پاسخهای نقضی و متعدد، همه آنها را قانع و وادار به تسلیم نمودند. در پایان این روایت، امام صادق (ع) می‌فرماید: بیش از سه روز از این مناظره نگذشته بود که همه آن علما و بزرگان که از سران پنج تفکر بزرگ زمان بودند، اسلام آوردند (شیخ مفید، همان، ۱/۲۱).

موضوع مناظرات

موضوعاتی که برای بحث در هر مناظره مطرح می‌شود، از یک سو نشانه اهمیت و ارزش آن و از سوی دیگر حاکی از فضا و تفکرات حاکم بر محیط و جامعه آن زمان است. این مساله آن گاه بیشتر جلب توجه می‌کند که مناظره بین متفکران و اندیشمندان برجسته و پرچمداران برگزیده دو یا چند تفکر جمعی، انجام شود. این دو نکته در مناظرات رسول اکرم (ص) از جایگاهی ویژه برخوردار است که تبیین و بحث مستوفی راجع به نکته دوم نیازمند بحث مستقل دیگری است. آنچه در این مختصر مورد نظر است، نگاهی اجمالی به برخی مسائل و موضوعات مطرح شده در مناظرات نبوی است. این نکته حائز اهمیت است که موضوعات ارائه شده، با توجه به دو نکته ذیل انتخاب و مطرح شده است:

موضوعات اعم از مطالبی است که حضرت در مقام استدلال و اقناع خصم، نخست چندین مقدمه مناسب را مطرح کرده و آنگاه نتیجه مورد نظر را از بحث گرفته‌اند، یا موضوعاتی که پس از طرح سؤالاتی از طرف مخاطب، مطرح شده است. نوع موضوعات طرح شده تا حدی فضای فکری غالب هر گروه را نشان می‌دهد؛ چه، رسول اکرم (ص) به تناسب فکری مخاطبان موضوعاتی را مطرح کرده‌اند. از این رو، بر اساس استقرای ناقصی که به عمل آورده‌ایم، موضوعات مناظرات توحیدی حضرت را براساس تفکیک مخاطبان و حتی الامکان به ترتیب فراوانی، یاد می‌کنیم.

الف - موضوعاتی که با یهود مطرح شده است:

- ۱- وحدانیت خداوند متعال (تفسیرالامام، ۲۱۸).
- ۲- نفی هرگونه شرک و کفر (همانجا).
- ۳- بطلان فرزند خدا بودن عزیر با ادله قاطع (همانجا).
- ۴- دفاع از عاملان مقرب الهی جبریل و میکائیل مرتبط با آیه ۹۸ سوره مبارکه بقره (همان، ۱۶۴).

۵- تفسیر تسیحات اربعه (صدوق، امالی، ۱۱۲).

۶- تبیین مساله «بدا» همراه با نمونه‌های بسیار (صدوق، توحید، ۱۰۶).

۷- تبیین مساله «جهت» در عبادت الهی و تغییر قبله (همو، ۱۰۵).

- ۸- بیان کیفیت «لوح» و «قلم» (مجلسی، ۳۴۲/۹).
- ۹- معرفی مقام رسالت و نبوت الهی به یهود (صدوق، امالی، ۱۱۲).
- ۱۰- بیان فضیلت پیامبر بر تمامی انبیای سلف به طور مشروح (مفید، احتجاج، ۲۸).
- ۱۱- وجود نام پیامبر در تورات (صدوق، امالی، ۱۱۴).
- ۱۲- وجه نامگذاری قرآن به فرقان، دنیا و آخرت، ایام هفته، حضرت آدم، مقدس، احمد، ابوالقاسم، بشیر، نذیر و داعی بودن حضرت و واژه لیل (علل الشرایع، ۱۶۰).
- ۱۳- علت نداشتن معجزه در هنگام تولد؛ مثل عیسی (همو، ۳۸).
- ۱۴- اوقات نمازهای پنج‌گانه (مجلسی، ۲۹۶/۹).
- ۱۵- علت غسل پس از جنابت و عدم غسل پس از بول و غایط (همو، ۲۹۷).
- ۱۹- بیان فضیلت مردان بر زنان (همو، ۲۹۹).
- ۲۰- فلسفه روزه، وقوف در عرفات، شستن اعضای اربعه در وضو، خلقت آدم و حوا و دیگر مسایل مربوط به آن (صدوق، امالی، ۱۱۵).
- ۲۱- ناسخ بودن قرآن نسبت به کتب سلف (صدوق، توحید، ۱۰۴).
- ۲۲- تحریف آیات الهی (تفسیر الامام، ۱۹۴).
- ۲۳- خلقت آدم و حوا (علل الشرایع، ۱۶۰).
- ۲۴- تفسیر حروف الفبا "ابجد" (مجلسی، ۳۳۸/۹).
- ۲۵- ارزشگذاری اسلام ایمان و عمل صالح برای ورود به بهشت (مجلسی، ۳۳۷/۹).

ب - موضوعاتی که با مشرکان مطرح شده است:

- ۱- نفی پرستش اصنام و علت آن (تفسیر الامام، ۲۱۸).
- ۲- جایگاه امر الهی در اطاعت و پرستش همراه با ذکر نمونه (همان، ۲۱۹).
- ۳- وصف نشدن پروردگار با صفات مخلوقات (همانجا).
- ۴- قدیم بودن ذات الهی و عدم امکان تغییر در ذات (همانجا).
- ۵- جایز نبودن سجده به غیر خدا (همانجا).
- ۶- تبیین کیفیت تعظیم و پرستش الهی (همان، ۲۲۰).
- ۷- تبیین فرق بین تقرب جستن به خداوند با سجده به سوی محراب و به قصد کعبه با

سجده برای تصویر آدم به قصد تقرب به خدا (همانجا).
۸- توضیح عدم حق اعتراض به افعال الهی همراه دلیلها و مثالهای فراوان (مفید، احتجاج، ۱۳).

۹- عدم تلازم ادعای نبوت با برآوردن نیازهای مادی دیگران (همانجا).
۱۰- لحاظ نشدن سلیقه‌های شخصی در حکمت و قانون الهی (همو، ۱۵).
۱۱- نقش نداشتن انسانها در کیفیت تقسیم رحمتها و نعمتهای الهی (همانجا).
۱۲- اقامه حجت و براهین قوی توسط حضرتش برای بصیرت و آگاهی مردمان (همو، ۱۷).

۱۳- جریان نیافتن تدبیرات الهی بر آنچه لازمه‌اش محال است (همانجا).

۱۴- محال بودن رؤیت ذات حق (همو، ۱۸).

ج - برخی از موضوعاتی که با نصاری مطرح شده است:

۱- محال بودن اتحاد مسیح با خداوند با تمام صورتهای ممکن (تفسیر الامام، ۲۱۴).
۲- بیان تفاوت بین شرک و توحید در عبارت «ابراهیم خلیل الله» و «عیسی ابن الله» (همانجا).

۳- تفسیر و تبیین جمله منقوله «أذهب الی ابي» از حضرت عیسی (با دو تعبیر، همانجا).

د - موضوعاتی که با دهریها مطرح شده است:

۱- تحلیل حدوث و قدم عالم (همان، ۲۱۵).
۲- بیان و اثبات حادث بودن زمان (همانجا).
۳- بیان احتیاج و نیاز اجزای عالم برای بنای یک ساختار ترکیبی مستحکم (همانجا).
ه - موضوعاتی که با دوگانه پرستان مطرح شده است:

۱- بیان نقضی در محال بودن اعتقاد به خدای قدیم (مجلسی، ۲۶۲/۹).
۲- محال بودن اجتماع نور و ظلمت با یکدیگر (همو، ۲۶۳).

پس از طرح اجمالی از گونه‌های متفاوت مناظرات نبوی (ص)، چند نکته قابل تامل است:

- اسلام، در مقایسه با سایر ادیان بزرگ، برای امر گفتگو، مناظره و رویاروییهای

فکری - عقیدتی ارزش خاص قائل شده است؛ تا آنجا که بارها در آیات قرآنی، مسأله بحث آزاد و تحدی با آرای مخالف مطرح شده است (نک: بقره/۲۳، هود/۱۳، یونس/۳۸، اسراء/۸۸، طه/۵۸، ۳۴)، علاوه بر آن فرمان صریح الهی در زمینه جدال احسن با اربابان سایر ادیان و مذاهب نیز صادر شده است (نحل/۱۲۵). اسلام، توسعه و گسترش خود را بیش از همه وامدار همین اصل اساسی می‌داند. راه یابی اسلام در زمان کوتاه به اقصی نقاط شرق آسیا و آمریکا و نیز بیداری و خیزش میلیونها انسان با ملیت، نژاد و رنگهای گوناگون در گرو فراخوانی همراه با حکمت، موعظه نیکو و جدال احسن می‌باشد. اتخاذ این روش در مکتب اسلام، تنها بدلیل غنای ذاتی و وحیانی اوست که با تکیه بر مبانی فطری و حقایق استوار، آمادگی کامل برای پاسخگویی به همه نیازهای روحی و ارزشی آحاد بشر و نیز جوامع انسانی را در همه دورانها دارد.

- اسلام اصل اختلاف و تنوع را در هستی به رسمیت شناخته و وجود دیدگاهها و نظرات مخالف و متنوع را در جوامع انسانی امری کاملاً طبیعی می‌داند. *وَ مَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا* (یونس/۱۹). از این رو، بر همین اساس است که رسول اکرم (ص) در فضای عصر خود که انباشته از افکار و دیدگاههای خرافی، تقلیدی متنوع است، ضمن اصل احترام به اندیشه‌های دیگران، با آنان به گفتگو و مناظره پویا و روشنگر می‌پردازد و در حقیقت، با تشکیل جلسات مناظره با مخالفان و دگراندیشان و به حضور پذیرفتن آنان، اندیشه و تفکر ایشان را برای گفتگو و تبادل دیدگاهها، به رسمیت می‌شناسد.

- عقل محوری و خردورزی امتیاز دیگری از روشهای رویارویی مکتب اسلام در روابط و ارتباطات اجتماعی محسوب می‌شود. استدلالات منطقی، عقلانی و منسجم رسول اکرم (ص) که به بخشی از آنها اشاره شد، نشانگر آن است که مهمترین تکیه‌گاه ارتباطی و تاثیرگذاری حضرت با مخالفان، عقل و فطرت سلیم بوده و سایر مسائل در پرتو آن مطرح می‌شده است. به کارگیری بسیاری از قواعد فلسفی مانند، عدم امکان وقوع امر محال و عدم جریان تدبیر الهی علی ما یلزم به المحال، محالیت انقلاب ماهیت، عدم اجتماع ضدین و غیر آنها که در مناظرات حضرت در برابر دهری‌ها و مانوی‌ها به کار گرفته شده به روشنی مثبت این ادعاست. بر آیند طبیعی این اصل در مکتب نبوی،

اصالت بخشیدن به اندیشه ها، رشد افکار عمومی و بالندگی فرهنگ جامعه است؛ انسان سازی و اندیشه ورزی دو پدیده لازم و ملزوم یکدیگرند که بدون آن دو نمی توان به جامعه مطلوب دست یافت. اما تولید اندیشه در جامعه موکول به فراهم بودن زمینه امن در حوزه فکر و خردورزی است.

در پایان، با توجه به شرایط ویژه عصری و اعتراف جهان غرب به بحران خلأ معنویت و اخلاق و از سوی دیگر، گرایش روز افزون مشتاقان حقیقت به آیین عقلانی و فطری اسلام، ضروری است بیش از پیش دنیای اسلام به ویژه محققان و استادان گرانقدر، راههای گفتگو و مناظره با روش احسن را برای رویارویی با شبهات و تحریفات مغرضانه، با تکیه بر معارف درونی خود، فراهم ساخته، زمینه های ورود موفق به این عرصه را از طریق شناسایی، بررسی و تحلیل روشها و کیفیت رویارویی های اسوه های معصوم و کامل مکتب اسلام و الگوگیری از آنان در حوزه گفت وگوهای دینی مهیا سازند. امید است آشنایی اجمالی با مناظرات بزرگ مبلغ توحید و آخرین پیام آور وحی، زمینه تحقیق هر چه بیشتر دانش پژوهان را برای شیوه شناسی و ارزیابی الگوهای روشن و کاربردی به داعیان الی الله هموارتر سازد.

کتابشناسی

حرانی، ابو محمد حسن ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۰۴ق.

تفسیر الامام، قم، ۱۴۰۹ق.

جوادی آملی، سیره پیامبران در قرآن، قم، ۱۳۷۹/۱۴۲۱ق.

دیلمی، حسن ابن ابی الحسن، ارشاد القلوب، تهران، ۱۴۱۲ق.

شیخ مفید، الارشاد، قم، ۱۴۱۳ق.

همو، الاختصاص، قم، ۱۴۱۳ق.

صدوق، الامالی، تهران، ۱۳۶۲ق.

همو، التوحید، قم، ۱۳۵۷.

همو، خصال، قم، ۱۴۰۳ق.

- همو، علل الشرايع، نجف، ١٣٨٥ق.
- طباطبائى، محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه، قم.
- طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج، مشهد، ١٤٠٣ق.
- مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، ١٤٠٤ق.